

( سخنرانی خانم دکتر پوران شریعت رضوی )

بسم الله الرحمن الرحيم

به روان پاک اولین شهدای دانشگاه تهران دانشکده فنی

مصطفی بزرگ نیا ، احمد قندچی ، مهدی ( آذر ) شریعت رضوی ( ۱ )

درود اینها اولین شهدائی بودند که به مبارزه برخاستند و من خود شاید

۲۸ سال عمر مبارزاتی آنها بوده‌ام . ما به تمامی دانشجویان دانشگاههای

ایران بخصوص دانشجویان مبارزی که با قطرات خورشان به ما این فرصت

را دادند که امروز گرد هم آئیم و از علی شریعتی مجاهد شهید سخن

بگوئیم . درود میفرستم .

پس از سخنرانی سروران معظم و بزرگی چون آیت الله طالقانی و

---

۱ - شریعت رضوی ( برادر شهید خانم شریعت رضوی ) و قندچی ،

و بزرگ نیاسه تن از دانشجویان دانشگاه تهران بودند که در ۱۶ آذر

یعنی چهار ماه پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد بدنبال یک تظاهرا

با شکوه دانشجویی که بخاطر اعتراض به سفر توطئه آمیز نیکسون معاو

رئیس جمهور وقت آمریکا به ایران بر پا گشته بود بدست مزدوران رژیم

سابق بشهادت رسیدند .

پدر بزرگوارم استاد محمد تقی شریعتی و دوستان عزیز آقای دکتر سامی و آقای احمدزاده و برادر مجاهدان سخن گفتن من ضرورتی ندارد بخصوص که همه دوستان خسته هم هستند فقط بعنوان تشکر از این همه احساسات پاکی که در عرض این دو مساعی که از شهادت همسر علی میگذرد نسبت با و ابراز نموده‌اید . باینجا آمدم .

سخنم را با گفته ای از خود علی آغاز میکنم . خدایا عقیده‌ام را از دست عقده‌ام مصون دار .

خدایا : به من قدرت تحمل عقیده مخالف ارزانی کن "

خدایا : رشد عقلی و علمی مرا از فضیلت احساس و تاثر و اشراق

محروم نساز "

خدایا : " این کلام مقدس را که به رشد الهام کرده ای هرگز از یاد

من مبر که : " من دشمن تو و عقاید تو هستم اما حاضرم جانم را برای تو

و عقاید تو فدا کنم "

خدایا : " به روشنفکرانی که اقتصاد را اصل میدانند پیاموز که

اقتصاد ، هدف نیست و به مذهبی‌ها که کمال را هدف میدانند پیاموز که

اقتصاد هم اصل است . "

خدایا : چگونه " چگونه زیستن را توبه من پیاموز ، چگونه مردن را

خود خواهم دانست .

خدایا : " مرا از این فاجعه پلید مصلحت پرستی که چون همه کس

گیر شده است و قاحتش از یاد رفته و بیماری شده است که از فرط عمومیتش

هر که از آن سالم مانده باشد بیمار می‌نماید، مصون بدار تا به رعایت مصلحت حقیقت را ذبح شرعی نکنم." .

علی شوهر من انسانی متعهد و مسئول بود او دوست داشت معلم باشد و هستی اش را وقف شاگردانش مینمود و از سنین جوانی به معلمی پرداخت و کارهای اجتماعی و علمی او از این کلاسها شروع شد. علی اسلام را چنان شناخته بود که باید باشد و سعی و تلاش همیشگی او این بود که این رسالت را علی وار با تمام رساند او میدانست که اسلام در گذشته از زمانهای مختلف با فرهنگهای گوناگون پیوند خورده است و میباید جدا از این فرهنگها و بصورتی خالص چون اسلام نخستین زمان پیغمبر و حضرت علی بنسل جوان شناسانده شود. بنابراین در کلاسهایش این مسائل را با تمامی وجودش بیان مینمود. دردها را نشان میداد و درمانها را پیشنهاد میکرد.

او در زمان و عصری که اختناق همه جا راپر کرده بود در زنده کردن اسلام در راه جهاد و تحقیق عدالت قدم برداشت شاگردانش میگفتند: "در کلاس دانشکده ما گفته های دکتر شریعتی را با اشکهایمان می‌نیوشیدم زیرا که مساله از حد گوش دادن و شنیدن فراتر رفته بود و دکتر حقایق را که از حقیقت وجودیش یافته بود برایمان بازگو میکرد مساله ساعت برایمان مطرح نبود و هرگز گذشت زمان را احساس نمیکردیم چون با حقایق آشنا میشدیم که ذاتا " و فطرتا " طالب شنیدن آنها بودیم و راز درمان دردهای انسانی را در گفتار شیرین او می‌یافتیم."

علی ابعاد روحی فراوان و گسترده ای داشت ولی آنچه از همه مهمتر و یادآوری آن لازم است بعد آزاد اندیشی اوست علی آنقدر آزاد مرد بود که ساعتها با مخالفانش در یک اطاق صحبت می نمود بحث میکرد و خم با برو نمی آورد قضاوتش در مورد انسانها بر طبق اعمالشان بود نه گفته هایشان و بنظر من این یکی از بزرگترین علل موفقیتش بود . در کتاب با مخاطبهای آشنا در مقاله ای که بر یکی از دوستانش مینویسد تذکر میدهد که از تمام خوانندگان کتابهایم خواهش میکنم و میخواهم که کتابهایی را که در جهت مخالفت با من و کوبیدن من نوشته شده بخوانید . "

رفتار آزاد اندیشانه علی میتواند برای همه شما الگو باشد . . . او ساعتها با افرادی با ایدئولوژی های متفاوت بحث مینمود و موفق هم میشد . بسیاری از طرفداران علی از مارکسیستهای گذشته هستند و بسیاری از آنها امروز در معرفی اسلام حقیقی موفقند همچنین استعمار از دو طرف و دو جبهه علی را میکوبید از یکطرف حکومت جبار پهلوی و از طرفی مارکین از محبوبیت و نفوذ کلامش و خلوصش و ایثارش در راه ایمانی که پا بدعوتش در میدان پر از مخاطره نهاده بود بهراس افتاده بودند زیرا که دیگر مردم آگاه میشدند و آنچنان شیفته رسالت انسانی اسلام راستین شده بودند که هیچ چیز آنها را از رسیدن به هدف و مقصود نهائی منحرف نمیساخت و این مساله زنگ خطری برای سیاستهای استعماری جهان بود زیرا که اسلام سدی در برابر منافقشان ایجاد میکرد و وحدت مسلمانان وحدت آزادگان ریشه های استعمار و استثمارشان را از بیخ و بن میساید

و خورد مینمود بنابراین طبیعی است که موضع گیری های سخت در مقابل علی مینمودند ولی این موضع گیریها یک در صد هم بر کار علی تاثیر نمیگذاشت نظر او در این مورد در کتاب با مخاطبهای آشنا به روشنی بیان شده است علی در این کتاب میگوید : " اینهمه توفیقی که در اشاعه افکارم و جلب افکار مردم کسب کردهام ثلثش ثمره ی رنجی است که بردهام و کاریست که کرده ام و ارزشی که داشته ام ، دو ثلثش را مرهون زحمات این آقایان هستم . "

من از شما فرزندان و خواهران و برادران عزیزم میخواهم که بخاطر مسئولیتی که خون شهدای راه حق برگردن ما گذاردهاند از مسائل جزئی و کوچک بگذرید و همه ی " من " و " تو " ما شدیم در مقابل دشمن مشترکمان یعنی : " آنها ، یعنی امپریالیسم ، استعمارگر شناخته شده متاسفانه گاه دیده میشود که بر سر بحث مسائل ایده ءولوژی با هم در گیر شدهاید بطوریکه دوست را فراموش نموده و دشمن را ناخود آگاه پرورش میدهید .

و این بزرگترین غمی است که بر دل خواهران و مادران و پدران داغدیده گذاشته میشود . و من خود بعنوان خواهری داغدار که ۲۵ سال است به امید پیروزی هر شب سر بالین گذاشته ام و ۲ سال است که بخاطر شهادت همسر و معلم علی شب و روز لحظه به لحظه آرزوی چنین روزی را داشته ام البته من نمونه یک فرد از یک خانواده شهید هستم و این پیروزی که بدست آمده برایمان مغتنم تر است بخاطر خون شهدا در راه حفظش با دیده ء و انگیزه احترام آمیز به عقاید مخالف یکدیگر بنگرید و

ما با یک فرهنگ استعماری و سلطه و زور تربیت شده ایم و پرورش یافته ایم به ما یاد نداده اند که در مقابل عقاید مخالف با احترام بنشینیم و گوش کنیم و بحث نمائیم و ضمن اینکه بگفته حضرت محمد (ص) که فرموده اند اختلاف و (۱) علماء امتی رحمة این اختلاف بنا بر قولی اختلاف سلیقه بین علماء که میگویند اختلاف سران یک قوم رحمت است میباشد. این افکار مختلف باید باشد تا با تبادل آن بهترین راه حل ها پیدا شود. باید دانست بحث نمودن سازنده ترین کار فکری است، اما نه بقیمت تفرقه و جدائی بین ما و از بین رفتن هدف و غافلگیر شدن از طرف دشمن مشترک بطوریکه تاریخ نشان میدهد هر وقت اسلام شکست خورده از منافقین بوده نه از دشمنان کما اینکه خود حضرت علی در جنگ صفین بدست منافقان شکست خورد.

باید هوشیارتر از آن باشید که فرصت بدشمن دهید. و هر لحظه بر روی انرژی هر انسان حساب کنید که هدر نرود و این انرژی ها باید صرف سازندگی مملکت شود.

امروز نباید به هیچ ماجرائی جز عبور قطعی از این نقطه ناامن تاریخی موجود توجه داشت و از همین موضع مردم را به تجسم اراده قاطعشان فرا خواند و به آنها فرصت داد تا علیرغم آنهمه سال نیرنگ تقلب و اختناق هر آنچه میخواهند بر زبان و بر کاغذ آورند.

---

۱ - اختلاف بمعنی رفت و آمد هم میباشد.

من شاهد رنجهای مداوم علی شریعتی بودم که به علت اختناق حاکم و سلب آزادیهایش چه ها کشید و چه تحملی نمود او نمیتوانست آزادانه حرفش را بزند صاحب اندیشه ای که آنهمه تراوشات علمی و اجتماعی داشت باید گنج خانه و در کنار یک همسری کمتر از خودش زندگی نماید وقتی دانشجویان حق نداشتند با وی ملاقات نمایند چون خانه یکسره تحت کنترل بود و باید شب از خانه خارج میشد . و باید شبها از خانه خارج میشد تا کسی او را نبیند بهر حال رنج مداوم علی او را وادار به هجرت نمود مهاجرت علی که خودش آنرا بعنوان یک اصل کلی از قرآن شناخته بود و مطرحش کرد صورت حقیقی یک انسان مهاجر متعهد را ترسیم نمود خودش گفته انسان یک مهاجر ابدی در خویش است و باین مسئله صورت حقیقت داد و مهاجرتش را با شهادتش در تنهایی و غربت با تمام رساند و راه تکامل هر انسان آزاده از اسارت استثمار و استحمار شرق و غرب عالم و متعادلی است بطوریکه قبلا " اشاره شد نباید خسته کننده -

یافتن آزادی مطلق و وطن اصلی نشان داد روشنفکران آگاه هم انصافا " هر کدام شریعتی وار مسئولیت شیعه بودن را احساس کرده و براه او ادامه داده و امیدوارم که این راه را در آینده هم ادامه دهند او میخواست به اروپا برود تا همه جوانها را که با ایدئولوژیهای مختلف بادرگیری های متفاوت که دارند در برابر دشمن مشترک متحد نماید تا در کنار هم دست بدست هم داده و و موفق و پیروز گردند و تاسف من از اینست که امروز جای علی از اینجهت بسیار بسیار خالیست و از طرف دیگر باز خوشحال هستم که میبینم

هر کدام از شماها علی شریعتی دیگری هستید بگفتهء خودش که به من میگفت : این دانشجویان و این جوانان امروز از من پیشتازتر شده اند و من از خودم شرم دارم که به پای اینها نمی رسم . " من این را بعد از شهادت هر کدام از فرزندان و خواهران و برادران خود در علی احساس میکردم علی فوق العاده از بودن خود متاثر میشد و این تاثرش را شما در نوار حسن و محبوبه احساس میکنید .

در پایان از ابراز احساسات و نهایت حق شناسی که در این دو سال نسبت به خدمات همسر علی شریعتی ابراز نموده و مینمائید تشکر میکنم و بحق میگویم که خانواده ما را از این احساسات پاک شرمنده نمود و روح علی را شاد کرده اند . اگر واقعا " به علی شریعتی و مکتبش علاقمند یید بخاطر علی که اکنون بین شماست و من هرگز از او بعنوان یک فرد از دست رفته حرف نمی زنم که شهید یعنی شاهد و او اکنون از هر شاهی شاهدتر بر احساسات پاک و بی شائبه شماست . او میخواست که ملت ایران از قید اسارت آزاد شده و دشمن خونخوار را شکست دهد و پیروز گردد که با آگاهی و وحدت پیروز هم شد . مجددا " از شما . میخواهم که این پیروزی را بخاطر خون شهدا حفظ نمائید . و فراموش نکنید که بزرگترین بخش این مسئولیت حفظ نمودن وحدت ضد استعماری و عدالت خواهانه میباشد و بدینوسیله میتوانید به هدف های بزرگتری که در پیش دارید برسید و بدانید که

قطره دریاست اگر با دریاست

ورنه او قطره و دریا دریاست .

پوران شریف رضوی ۵۸/۲/۲۶

واسلام